



دانشگاه گیلان، دانشکده منابع طبیعی گیلان

نشریه حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی

جلد پنجم، شماره اول، ۱۳۹۵

<http://ejang.gau.ac.ir>

## نقش واژگان تخصصی شبانی در حفاظت پایدار و بهره‌برداری مراتع

\*عسگر حسین‌زاده<sup>۱</sup>، قدرت‌الله حیدری<sup>۲</sup>، حسین بارانی<sup>۳</sup> و احسان زندی اصفهان<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مرتع‌داری، مدرس دانشگاه پیام نور، استادیار گروه مرتع و آبخیزداری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، <sup>۲</sup>دانشیار گروه مرتع و آبخیزداری دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، <sup>۳</sup>استادیار بخش تحقیقات مرتع، موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۲۷

### چکیده

**مقدمه و هدف:** فرهنگ‌های مختلف به‌صورت مجموعه‌ای از واژگان در زبان تجلی می‌یابند، بی‌شک بار معنایی این واژگان با تجربه و آگاهی شغلی مردم هر منطقه ارتباط دارد. در زمینه بهره‌برداری از مراتع اصطلاحات تخصصی بومی میراث گرانبغی محسوب می‌شود که نقش آن در ترویج، حفظ و بهره‌برداری مستمر عرصه‌های طبیعی از اهمیت بالایی برخوردار است. در سال‌های اخیر رویکرد جامعه نسبت به دانش سنتی بهره‌برداران مراتع و منزلت اجتماعی شغل شبانی که زمانی نه چندان دور یکی از ارکان استحکام و توسعه ساختار اجتماعی-اقتصادی روستاها محسوب می‌گردید با فراموشی این واژگان کمرنگ شده است. هدف این پژوهش شناسایی، ترویج و معرفی واژگان تخصصی شبانی در بین عشایر ایل شاهسون مراتع بیلاقی دامنه کوه سبلان استان اردبیل است.

**مواد و روش‌ها:** واژگان ارائه شده در این مقاله براساس یافته‌هایی از پژوهش مشارکتی در منطقه مورد نظر تنظیم شده است. ابتدا نماینده‌هایی را به‌عنوان اطلاع‌دهنده به‌صورت تشخیصی انتخاب نموده و با برقراری ارتباط دوستانه و در فرصت مناسب به گفتگوی بدون ساختاری روی آورده شد. گفته‌ها اعم از کلمات و

---

\*مسئول مکاتبه: [hosseinzadeh2012@yahoo.com](mailto:hosseinzadeh2012@yahoo.com)

جملات به صورت کلیدی یا مفصل ثبت و ضبط گردید و سپس در فرصت‌های مناسب گفتگوها تجزیه و تحلیل گردید. این تحقیق در خرداد ۱۳۹۱ آغاز و در آذرماه همان سال پایان یافت. در مجموع ۱۰۰ بهره‌بردار مراتع، در ۱۳ گروه مرد و زن و ۴۵ نفر به صورت انفرادی مورد مصاحبه قرار گرفته شد. در این روش ضمن انجام مصاحبه‌های عمیق و هدفمند اطلاعات و واژگان مربوط به بهره‌برداری از مراتع در محورهایی مانند، انواع چراگاه و پوشش گیاهی، نحوه چریدن و چراندن گله در چراگاه، اماکن و ابنیه‌های شبانی، نحوه نامگذاری و تقسیم گله‌ها، واژگان مربوط به طبقات شغلی شبانی و واژگان مربوط به اطلاعات هوا و اقلیم شناسی جمع‌آوری و دسته‌بندی گردید.

**نتایج:** نتایج جمع‌بندی اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد حدود یکصد واژه‌ی کاربردی مرتبط با مرتع و مرتعداری رایج در گفتار بین بهره‌برداران عشایر شاهسون جهت مدیریت، حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی قابل شناسایی است.

**نتیجه‌گیری:** هم‌چنین نتایج بیانگر آن است که گستره معنایی این واژگان محصول مشاهدات و همراهی مداوم بهره‌برداران در طول بستر زمان بوده که در یک ساختار اجتماعی منظم ارتقاء یافته است و امروزه نه تنها بر توسعه گنجینه واژگان بلکه برای توسعه علم مرتعداری نیز موثر است.

**واژه‌های کلیدی:** دانش بومی، بهره‌برداران مراتع، واژه نامه، مراتع سبلان، ایل شاهسون

## مقدمه

یکی از منابع گسترش زبان، صرف نظر از ساختار و نظام آوایی، گسترش معنایی واژگان آن زبان است (۷). زبان بخش قابل توجهی از نقش خود را به‌عنوان مهم‌ترین و پیچیده‌ترین نظام ارتباطی بشر از راه گفتار ایفا می‌کند. بنابراین، بررسی پدیده‌های مرتبط با گفتار که به شناخت بیشتر این جنبه از کارکرد زبان می‌انجامد موجب افزایش دانش مربوط به کلیت زبان خواهد شد (۱). با این حال می‌توان گفت زبان تخصصی عبارت است از آن شکل از زبان یا واژگان که توسط اهل فن برای مقاصد تخصصی بکار می‌رود (۴). ساختار زبان آنقدر مهم است که ساختار و ماهیت فکر را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد (۳). پس زبان، اندیشه و فرهنگ کاملاً به هم مرتبط هستند. زندگی در هر محیط تجارب و اندیشه‌هایی را ایجاد می‌کند که فرهنگ آدمی را می‌سازند. بخش عمده فرهنگ به‌صورت واژگان در زبان هر قوم تجلی پیدا می‌کند (۹). زبان به منزله یک نهاد اجتماعی بر دیگر نهادهای جامعه اثر می‌گذارد و تحولات آنرا بازتاب می‌دهد (۱۲). قدرتی که متعلق به اندیشه می‌باشد، فراورده‌ی زبان و واژگان به شمار می‌آید پس ناخود آگاه تکامل زبان، تکامل تفکر و شناخت را در پی دارد (۱۳). انسان در فرهنگ‌های مختلف به پدیده‌های محیطی و اجتماعی عکس‌العمل‌های مختلف نشان می‌دهد و در نتیجه پدیده‌هایی که اهمیت ندارد در زبان آن قوم قرار نمی‌گیرد و بالعکس پدیده‌های مهمتر به صورت مجموعه‌ای از واژگان در زبان تجلی می‌یابد (۱۶). ارتباط انسان با محیط از این قاعده مستثنی نیست، از این رو شناخت واژگان به شناخت بهتر پدیده‌ها و نیز درک تعامل انسان با محیط کمک خواهد کرد. زبان تخصصی بخشی از زبان عام یک جامعه است که شاید نتوان به سادگی آن را از زبان عام تفکیک کرد (۱۱). شناخت ابعاد و زوایای مختلف نظام شبانی و بهره‌برداری از مرتع نه تنها برای توسعه گنجینه‌ی واژگان بلکه برای توسعه علم مرتعداری در ایران به نحوی که با تاریخ و جغرافیای انسانی و طبیعی ایران مطابقت داشته باشد ضروری می‌نماید. باز اندیشی کنیم شاید بسیاری از تخصص‌ها، مشاغل و حرفه‌ها که ریشه‌های تاریخی دارند وضعیت اینچنین داشته باشد. هر استاد کار ورزیده‌ای که چشم از دنیا بر می‌بندد، کتابخانه‌ای از واژگان، مضامین و مفاهیم را با خود خواهد برد. مبدا اندوخته‌هایی که سینه به سینه قرون و اعصار را پشت سر گذاشته‌اند در برخوردهای جانبدارانه نوگرایان به خاک سپرده شود (۲). دانش بومی، بخشی از سرمایه ملی هر قومی است که باورها، ارزش‌ها، روش‌ها و آگاهی‌های محلی و دانش اکولوژیک آنها از محیط زندگی‌شان را دربر می‌گیرد. دانش بومی، حاصل قرن‌ها آزمون و خطا در محیط طبیعی، اقتصادی و اجتماعی است و ریشه در

باورها و ایستارهای مردم دارد. نگاهی ویژه به ویژگی‌های نظام‌های دانش بومی، حاکی از آن است که دانش مذکور بدلیل سیستمی بودن، انعطاف، حفظ تنوع زیستی، متکی بودن بر نیازها، مشارکتی بودن، در دسترس و ارزان بودن، حفظ تعادل محیط زیست، چند بعدی بودن، منطبق بودن بر فرهنگ مردم، استفاده منایب از آب موجود، می‌تواند در فرایند توسعه پایدار نقش مهمی ایفا کند (۶).

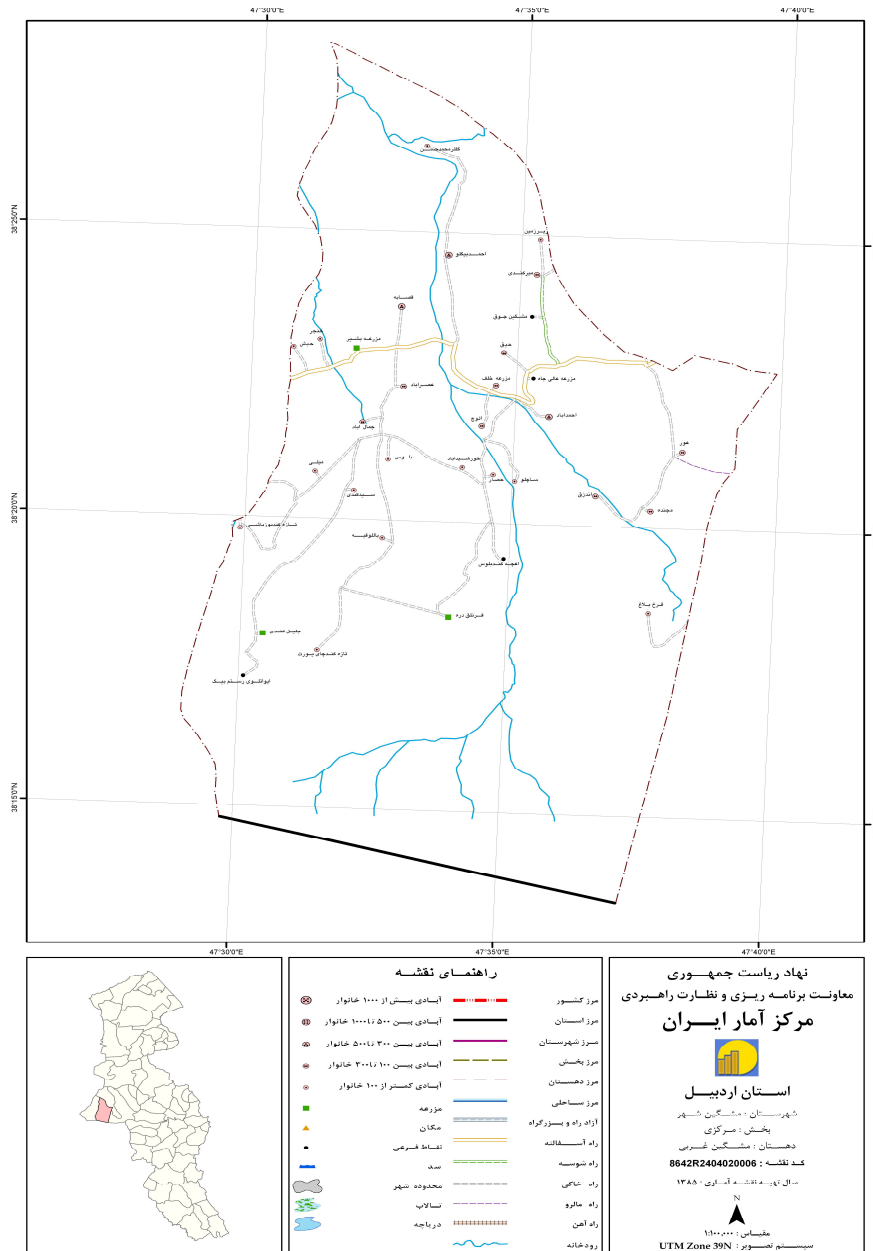
آنچه در حال حاضر اهمیت دارد توسعه، ترویج و به کارگیری زبان تخصصی به‌نحوی است که از یک سو با تاریخ و جغرافیای کشور و از سوی دیگر با توسعه علم و دانش بشری هماهنگی داشته باشد (۸).

بسیاری از تکنیک‌ها و روش‌های سنتی در عرصه تولید، فرهنگ و اجتماع در جامعه سنتی به‌دلیل سازگاری و تطابق با زیست بوم این جوامع، همان روش‌هایی هستند که امروزه معرف روش‌های رسیدن به توسعه پایدار می‌باشند و دانش بومی یک بخش جامع از فرهنگ و تاریخ جوامع محلی است و ما نیاز به آموختن از جوامع محلی و ترویج آن برای تقویت فرایندهای توسعه داریم (۱۰). البته با توجه به اینکه دانش بومی در زمانی طولانی و در شرایط محیطی و غالباً با دیدگاه‌های توده مردم شکل گرفته و هدایت شده است، از جهات مختلف با اصول پایداری و نیز با محیط زیست منطبق است (۵). باید اذعان کرد که فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های تخصصی در زمینه بهره‌برداری از مراتع نقش کلیدی دارد و باید پاسخگوی نیاز دست اندرکاران باشد. جای تاسف است که علیرغم تلاش گسترده و ارزشمند، واژه‌نامه‌های تخصصی نیز آنچنان که شایسته‌ی فرهنگ این مرز و بوم است تکامل نیافته است (۲). همچنان‌که اسدوارت و همکاران (۱۹۷۵) و اوقلو و همکاران (۲۰۰۹) مستند سازی اطلاعات بومی را به‌علت کاهش انتقال دانش از نسل قدیم به جدید را ارزشمند دانسته‌اند. انتقال دانش بومی به نسل حال و آینده، حفظ پایداری محیط زیست و استفاده صحیح از مراتع را می‌توان از رهیافت‌های ترویجی این تحقیق برشمرد (۱۴ و ۱۵). به نظر می‌رسد مردمی که از گذشته خود را با منابع طبیعی و نحوه بهره‌برداری صحیح آن سازگار نموده‌اند می‌توانند با انتقال تجربه و آگاهی شغلی خود به نسل‌های بعدی اهمیت دانش بومی را جهت حفظ و پایداری اکوسیستم‌های طبیعی بهتر آشکار نمایند. این مقاله بر آن است تا با بهره‌گیری از دانش بومی به رهیافتی ترویجی دست یابد و ضمن کمک به ترویج و غنای فرهنگ مردم منطقه دامنه سبلان با شناسایی واژگان تخصصی شبنانی در بین عشایر ایل شاهسون ارتباط بین دانش بومی بهره‌برداران با محیط زیست را به‌عنوان عامل سازگاری و حفاظت از آن در طول بستر زمان معرفی نماید زیرا دانش بومی بدلیل شفاهی بودنش سخت در معرض نابودی

است و از سویی دیگر هنوز گوشه‌های مبهم بسیاری در دانش بومی هر منطقه وجود دارد که باید به آن پرداخته شود تا بتوان به کمک آن بر مسایل و مشکلات، تاحدی غلبه کرد. نهادهای بومی و دانش بومی می‌تواند کارایی برنامه توسعه را افزایش دهد، زیرا منبعی است که به‌طور محلی مالکیت و اداره می‌شود و در مواردی که بکار گرفته می‌شوند هزینه برنامه‌های پایداری کاهش می‌یابند و از طرف دیگر هم باعث توأم‌نمند سازی جوامع محلی می‌شوند. هم‌چنین تلفیق و یکپارچه سازی دانش بومی و دانش رسمی، علمی نوین است که از نظر ضعف و قدرت مکمل یکدیگرند و از ترکیب این دو می‌توان به توفیق‌هایی نایل آمد که هیچکدام از آن‌ها به تنهایی واجد آن نیستند.

### مواد و روش‌ها

**منطقه بررسی:** این پژوهش در مراتع بیلاقی کوه سبلان در جنوب شهرستان مشگین‌شهر در استان اردبیل انجام شده‌است. این کوهستان دارای پوشش گیاهی متنوعی است و بیش از ۳۰۰۰ گونه گیاهی در آن شناسایی شده‌است. کوه سبلان در شهرستان مشگین‌شهر، یکی از آتشفشان‌های خاموش کشور محسوب می‌شود و ارتفاع بلندترین قله این کوه که سلطان ساوالان نام دارد. مساحت منطقه حدود ۱۸۷۵ مترمربع که در محدوده بین طول جغرافیایی ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه و عرض جغرافیایی ۴۷ درجه و ۲۶ دقیقه شرقی قرار دارد و حداقل ارتفاع آن ۱۷۰۰ متر و حداکثر آن ۲۴۰۰ متر است. ساکنان این منطقه به کشاورزی و دامداری می‌پردازند. مراتع کوه سبلان توسط پرورش‌دهندگان میش و بز بهره‌برداری می‌شود. گله‌داران و شبانان کوه سبلان به زبان آذری تکلم می‌نمایند. اصلی‌ترین منبع درآمد خانوارها از طریق فروش دام و محصولات دامی می‌باشد. از نظر وضعیت اشتغال تمامی اعضای خانوارها در امورات دامی فعالیت می‌کنند. زن‌ها در شیر دوشیدن، تولید کره، پنیر و ماست، اولاد مذکر در چرانیدن دام در مرتع و اولاد مونث در کارهای خانه‌داری، گرفتن گاوها و گوسفندان در هنگام شیردوشی و در تهیه آب چشمه‌ها به خانواده کمک می‌کنند. البته در کنار همه این کارها در هنگام فراغت، زن‌ها در گلیم‌بافی، فرش‌بافی و جاجیم بافی به اقتصاد خانواده کمک می‌کنند.



شکل ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه  
 Figure 1. Location of the study area

روش بررسی: واژگان ارایه شده در این مقاله بر اساس یافته‌هایی از پژوهش مشارکتی در منطقه مورد نظر تنظیم شده است. در این روش ابتدا نماینده‌هایی را به عنوان اطلاع‌دهنده به صورت تشخیصی انتخاب نموده و با برقراری ارتباط دوستانه و دریافت پذیرش از سوی آنها به مشارکت در فعالیت‌هایشان پرداخته شد و در فرصت مناسب به گفتگوی بدون ساختاری روی آورده شد. گفته‌ها اعم از کلمات و جملات به صورت کلیدی یا مفصل ثبت و ضبط گردید و سپس در فرصت‌های مناسب گفتگوها تجزیه و تحلیل گردید. پرس و جو براساس سئوالات محوری تا آنجا ادامه یافت که پرسش‌ها چیزی به ابعاد معنایی و مفهومی واژگان در ارتباط با به محقق اضافه نکرد. این تحقیق در خرداد ۱۳۹۱ آغاز و در آذرماه همان سال پایان یافت. در مجموع از ۱۰۰ بهره‌بردار مراتع به صورت گروه‌های ۳ تا ۷ نفره (۱۳ گروه) و ۴۵ نفر به صورت انفرادی مورد مصاحبه قرار گرفته شد که محل مصاحبه گروهی در داخل چادر و انفرادی در مراتع صورت می‌گرفت البته لازم به ذکر هست که در مصاحبه گروهی زنان نیز مشارکت داشتند و واژگان مرتبط با موضوع تحقیق (دامداری و مرتعداری) بدون کمترین تغییر استخراج گردید.

بر اساس اهداف تحقیق جهت استخراج واژگان مربوط به بهره‌برداری از مراتع سئوالات محوری و پرسش‌ها در بخش‌های مرتبط با الف) انواع چراگاه و پوشش گیاهی، ب) نحوه چریدن و چراندن گله در چراگاه، ج) اماکن و ابنیه‌های شبانی، د) نحوه نامگذاری و تقسیم گله‌ها، ه) واژگان مربوط به طبقات شغلی شبانی، و) واژگان مربوط به اطلاعات هوا و اقلیم شناسی مطرح گردید. سعی گردید در انتخاب و استخراج مفاهیم واژگان نکات زیر مورد توجه قرار گیرد.

۱- براساس تخصص موضوعی واژه‌های کاربردی مرتبط با مرتع، مرتعداری و دامداری رایج در گفتار بین عشایر شاهسون در سیاهه مورد نظر قرار گرفت. در ضمن واژه‌ها به یکی از اشکال مختلف آن که متداول‌ترین آن دانسته شده است ارایه گردید تا به مضامین و مفاهیم اصلی لطمه‌ای وارد نگردد. به عنوان مثال از بین واژگان " داغلاماخ، داغ‌وران، داغلیان و..." تنها داغلاماخ در سیاهه قرار گرفته است.

همچنین سعی گردید الفاظ برای کارشناسان رشته‌های منابع طبیعی نیز ملموس و کاربردی باشد.

۲- به جهت آن که به ارزش این واژگان در بیان مضامین علمی تاکید شود و این مجموعه واژگان علاوه بر تالیف در ترجمه متون علمی نیز قابل استفاده باشد، معادل انگلیسی این واژگان استخراج شده است. به نظر می‌رسد برخی از واژگان ارایه شده مختص سبک بهره‌برداری این منطقه بوده و معادل

رایجی در متون علمی نداشته باشد. این قبیل واژگان برای استفاده کارشناسان نیز بر اساس مضامین مشترک به انگلیسی ترجمه شده است.

### نتایج

یافته‌های پژوهش یا واژگان تخصصی مرتبط با مرتع و بهره‌برداری از آن که در بین بهره‌برداران عشایر شاهسون رواج دارد، بر اساس تشابه و تقابل معنایی در شش جدول معرفی می‌شود:

جدول ۱- واژگان مرتبط به انواع چراگاه و پوشش گیاهی

Table 1. Terms relating to the types of pasture and vegetation

عنوان انگلیسی	عنوان ترکی	ردیف	عنوان انگلیسی	عنوان ترکی	ردیف <sup>۱</sup>
English title	Turkish title	Row	English title	Turkish title	Row
Artificial pasture	خَسِیل	6	Vegetation	بیت گی	1
Marginal	وَرْتَه	7	Timbered	مشه	2
Stubble	کولش یری	8	Meadow	گونئی	3
Blank	أوروش	9	Swale	گوزی	4
			Alpine	آخار باخار	5

جدول ۲- واژگان مربوط به چریدن و چراندن گله در چراگاه

Table 2. Terms relating to the herd grazing in the pasture

عنوان انگلیسی	عنوان ترکی	ردیف	عنوان انگلیسی	عنوان ترکی	ردیف
English title	Turkish title	Row	English title	Turkish title	Row
Turning back	گری قایتارماخ	20	Grazing	أوتارماخ	10
Driving	آپارماخ	21	Bite	بی آغیز	11
Fetching	قیلاماخ	22	Poaching	کَسَسَک	12
To be splatted	بولون مک	23	Calm grazing	یاواشیمماخ	13
Ewe tethering	باغلاماخ	24	Wide grazing	قانات آچیب	14
Grazing trace	ایزی قالب	25	Narrow grazing	داران ماخ	15
Fresh	لَئَر	26	Close grazing	تُوپا	16
Fattening range	قوزو أورشو	27	Relax grazing	داغیل دی	17
Halophyte ranging	دوز داملاخ	28	Fast movement	تُوخماخ	18
Night grazing	آخشام أوتاریشی	29	Shunting	دوندرمک	19

۱- آوانگاری واژگان ترکی به صورت لاتین بر اساس شماره ردیف در ضمیمه تحقیق آورده شده است.

1- The phonetic of Turkish words in Latin is presented in appendix according to the row number



جدول ۳- واژگان مربوط به اماکن و ابنیه‌های شبانی

Table 3. Terms relating to the pastoral places and buildings

عنوان انگلیسی	عنوان ترکی	ردیف	عنوان انگلیسی	عنوان ترکی	ردیف
English title	Turkish title	Row	English title	Turkish title	Row
<i>Pen</i>	چپر	36	<i>Summer grazers building</i>	آرخاش	30
<i>Bed ground</i>	باتاخ	37	<i>Corral</i>	باتاخ	31
<i>Stock driveway</i>	جغرا	38	<i>Stable</i>	چاتاخ	32
<i>Barn</i>	آنبار	39	<i>Winter grazers building</i>	وانا	33
<i>Salt ground</i>	دوز داخ	40	<i>Kid house</i>	کوز	34
<i>Curd yard</i>	قوروت پری	41	<i>Pen</i>	آغل	35

جدول ۴- واژگان مربوط به نام گذاری و تقسیم گله‌ها

Table 4. Terms relating to the naming and division of herds

عنوان انگلیسی	عنوان ترکی	ردیف	عنوان انگلیسی	عنوان ترکی	ردیف
English title	Turkish title	Row	English title	Turkish title	Row
<i>Doeling</i>	کوزر	55	<i>Herd/drove</i>	داوار	42
<i>Buck</i>	تکه	56	<i>Females</i>	دی شی	43
<i>Castrated buck</i>	آرکچ	57	<i>Males</i>	ارکک	44
<i>Fattened</i>	باغلاما	58	<i>One- year- old male</i>	آغ دیش	45
<i>Rustler</i>	دکیجه	59	<i>Two- year- old male</i>	قارا دیش	46
<i>Barren</i>	قصر	60	<i>Sheep</i>	قویون	47
<i>Drag</i>	دال دیان	61	<i>Yeanling</i>	آملیک	48
<i>Herd side interested</i>	تزدی	62	<i>Yeanling</i>	فوزو	49
<i>Parturition time</i>	دوغوش پری	63	<i>Hogget</i>	توقلی	50
<i>Nourishment</i>	خرج	64	<i>Yearling ewe</i>	شیشک	51
<i>Separating</i>	آیرماخ	65	<i>Ram</i>	قوچ	52
<i>Brand</i>	داغ	66	<i>Goat</i>	کچی	53
<i>Match</i>	چیفیت	67	<i>Weaned kid</i>	چبش	54

جدول ۵- واژگان مربوط به طبقات شغلی شبانی

Table 5. Terms relating to the pastoral job classes

عنوان انگلیسی	عنوان ترکی	ردیف	عنوان انگلیسی	عنوان ترکی	ردیف
English title	Turkish title	Row	English title	Turkish title	Row
<i>Dry-band herder</i>	قورو اوتاران	73	<i>Shepherd</i>	چوبان	68
<i>Drover</i>	آلورچی	74	<i>Friend</i>	یولداش	69
<i>Temporary staying Station equipping</i>	بازداخ	75	<i>Camp tender</i>	اوجی	70
	دُون آتماخ	76	<i>Lord</i>	هَسَم	71
<i>Leasing</i>	بولوچی	77	<i>Cowboy</i>	ناخیرچی	72

جدول ۶- واژگان مربوط به زمین شناسی و هوا و اقلیم شناسی

Table 6. Terms relating to the geology and climate

عنوان انگلیسی	عنوان ترکی	ردیف	عنوان انگلیسی	عنوان ترکی	ردیف
English title	Turkish title	Row	English title	Turkish title	Row
<i>Blizzard</i>	خزری	85	<i>Crag</i>	قَجَلِیک	78
<i>Breeze</i>	گرمیچ	86	<i>Sacrament</i>	وادی	79
<i>Dry upward wind</i>	آغ ییل	87	<i>Rivulet catchment</i>	گول گول	80
<i>Dry landed cloud</i>	چَن	88	<i>River</i>	نَهر	81
<i>Moist landed cloud</i>	دومان	89	<i>Springhead</i>	باهار	82
<i>Soft hail</i>	گول شاد	90	<i>Spring</i>	بولاق	83
			<i>Gully erosion</i>	خندک	84

### بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که واژگان تخصصی مورد استفاده در بهره‌برداری مرتع را می‌توان براساس گستره معنایی آنها در محورهای اجتماعی و بوم‌شناسی طبقه‌بندی کرد. با نگاهی به واژگان مرتبط به انواع چراگاه و پوشش‌های گیاهی می‌توان دید که بهره‌برداران براساس تجربه و دانش برآمده از تجارب شغلی، دانش بومی و منطبق با اصول پایداری محیط زیست به خوبی می‌توانند مراتع را به صورت ذهنی و بدون حصارکشی به قسمت‌های مختلف تقسیم نمایند، در مورد واژگان مربوط به انواع چراگاه و پوشش گیاهی اصطلاحات مورد استفاده "گوزی، گونی و آخار باخار" به ترتیب اشاره به سایه‌گیر یا آفتابگیر بودن قسمت‌های یک چراگاه دارند این واژگان توانای توصیف پتانسیل و ترسیم

سیمای پوشش گیاهی مرتع و شرایط توپوگرافی مانند ارتفاع، جهت و شیب را در هر محدوده عرفی دارند. در واژگان مربوط به چریدن و چراندن گله از واژه‌های "قانات آچیب (باز شدن و پراکنش گله از عرض در هنگام چرا)، دارانماخ (باز شدن گله از طول در هنگام چرا)، توپا (پراکنده نبودن، یک جا بودن گله در هنگام چرا، کنار هم چریدن) و داغلیب (پراکنده شدن گله هنگام چرا، دور از هم چریدن دامهای یک گله)" به نحوی استفاده شده است که شاید هیچ علمی قادر به این تقسیم‌بندی نباشد و این نشان از دانش و مهارتی است که شبانان در مدیریت چراگاه از آن استفاده می‌کنند و یا واژگان مربوط به اماکن و ابنیه‌های شبانی اصطلاحات "چاتاخ (جای سرپوشیده که گاو را نگهداری می‌کنند)، یاتاخ (عرصه‌ای محصور که به منظور استراحت یا نگهداری موقت گله استفاده می‌شود) و واننا (جایگاه سرپوشیده که برای استقرار و نگهداری گله در مرتع قشلاقی استفاده می‌شود)" اشاره با مکان‌های نگهداری دام می‌کنند. هم‌چنین در مورد واژگان مربوط به طبقات شغلی شبانی اصطلاحات مورد استفاده "چوبان (گرداننده و چراننده گوسفندان در مرتع می‌باشد)، یولداش (چوپانی که از چوپان دیگر همراه گله دستور می‌گیرد) و اوچی (فردی که در خلال روز در چادر مانده و کارهای روزانه را انجام می‌دهد)" که در عین نزدیک بودن معانی آنها، هرکدام وظایف مخصوص به خود را دارند که این تنوع واژگان مربوط به شبان و شبانی و معانی مختلف واژه چوپانی بازتابی از سازماندهی کار و نیروی انسانی در بین گله‌داران است. به‌نظر می‌رسد انتخاب این واژگان با مفاهیم کاربردی و ملموس که بیانگر پشتوانه دانش و تجربه شبانان است آنها را قادر می‌سازد جهت بهره‌برداری مناسب از مراتع و هم‌چنین مدت، شدت، دوره و فصل استفاده از هر بخش چراگاه را به‌خوبی تعیین نمایند.

بی‌اغراق هر یک از این واژگان کارکرد یک آزمایشگاه عملی و صحرایی را در حفاظت، بهره‌برداری و سازگاری انسان با محیط زیست در اذهان متبادر می‌نمایند. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد در بخش واژگان مربوط به نامگذاری و تقسیم گله‌ها با ظرافت خاصی دام‌ها را از هم جدا کردند که به عنوان مثال اصطلاحات "آغ دیش (نر و ماده یک ساله)" و "قارا دیش (نر و ماده دو ساله)" نمونه بارزی از این ظرافت می‌باشد که گویای دانش بالای دامداران در شناسایی و تقسیم بندی دام‌ها می‌باشند. هم‌چنین در بخش واژگان مربوط به هوا و اقلیم لغات گول شاد و دومان دو شکل دیگری از نزولات جوی علاوه بر باران، برف و تگرگ را معرفی می‌نماید که توسط شبانان به روشنی قابل تفکیک و توصیف است.

### رهیافت‌های ترویجی

اگرچه در این تحقیق، تحلیل معنایی تعدادی از واژگان براساس محورهای تفکیکی جهت اثبات فنون و روش‌های سنتی سازگار مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت ولی نتایج نشان می‌دهد این فنون و روش‌های سنتی با توسعه پایدار سازگاری دارند. به نظر می‌رسد، در دانش رسمی این طبقه بندی واژگان قادر است با ارائه مدلی در سه محور انسان، مرتع و دام مولفه‌هایی مانند روش‌های مرتعداری، سیستم‌های چرای، تعیین ظرفیت مرتع، تخمین تولید، حد بهره‌برداری مجاز و ویژگی‌های سامان‌های عرفی را مورد توجه و تاکید قرار دهد و الگوی مناسبی را برای حفاظت پایدار و بهره‌برداری از مراتع ارائه نماید.

به‌طور کلی نتایج جمع‌بندی نظرات مصاحبه شونده‌گان نشان می‌دهد ساختار اجتماعی و شرایط جغرافیایی در شکل‌گیری و توسعه واژگان نقش موثری دارند، اگرچه بسیاری اعتقاد دارند با ورود مدرنیته به پیکره نظام اجتماعی شاهد گسست پیوندهای عاطفی و مغفول ماندن ریشه‌های هویتی در لایه‌های مختلف اجتماعی هستیم با این حال به نظر می‌رسد، شناسایی و معرفی این واژگان تخصصی که در بستر زمان با پشتوانه دانش بومی، آگاهی و تجربه شغلی بهره‌برداران شکل گرفته‌اند، سرمایه اجتماعی پنهانی هستند که می‌توانند با کارکرد علمی نحوه بهره‌برداری، حفاظت، اصلاح و احیا مراتع را جهت تعامل بیستر انسان با طبیعت فراهم نمایند. توصیه می‌گردد برای اجرای طرح‌ها و فعالیت‌های مشارکتی جهت دستیابی به یک مدیریت پایدار در مراتع، تلفیق دانش بومی با دانش اکولوژیک همراه با ارتقاء منزلت اجتماعی بهره‌برداران مد نظر کارشناسان قرار گیرد.

### منابع

1. Afkhami, A. 2003. Study on spoken errors in Persian language, the Journal of Agricultural Sciences and Humanities, Tehran University, 2 (6):31-49. (In Persian)
2. Barani, H. 2005. Reinforce and enrich the scientific and technical dictionaries by using traditional knowledge and technology. Journal of Social Sciences, (34, 35):13-40. (In Persian)
3. Bateni, M. 1995. The relationship between language and idea. Tehran University Journal of School Literature, 51-66.
4. Bejhvan, H. 1998. Term scientific and technological development in the field of public culture. Translation Safdar Taghizadeh, Journal of Linguistics, (23):31-49.

5. Birjandi, H. 2011. Protection of indigenous knowledge and management of soil and water resources in Iran. *Journal of Promotion of Natural Resources*, (123): 8-9. (In Persian)
6. Bridges, J. 2006. *The use of indigenous knowledge in development: Problem and challenges international water and sanitation centre*. Delft: IRC Publisher, 40-48.
7. Dokohaki, S.H. 2001. The scope of the words in Persian, *Shiraz University of Humanities and Social Sciences*, 18 (4): 54-59. (In Persian)
8. Haghshenas, A. 2000. In search of the language of science. *Proceeding of the seminar on Persian language of science*. Tehran, center for academic publication, 487-498. (In Persian)
9. Henle, P. 2000. Language, thought and culture. *Proceedings of the language, thought and culture, translation Yadullah Moaqan*, 2-20 pp.
10. Jomepour, M. 2010. Native of rural areas and the role of indigenous knowledge in the process. *Indigenous Knowledge*, 1 (3):151-179. (In Persian)
11. Mansouri, R. 2000. Terms switching, cultural invasion, *proceedings of the seminar switching words and terminology issues*, 511- 520p. (In Persian)
12. Modaresi, Y. 2009. Changes in the national socio-political. *Cultural Journal*, 2 (1):1-16. (In Persian)
13. Safavi, K. 1999. *Introduction to Semantics*. Institute of Culture and Islamic Art, 120 p. (In Persian)
14. Stoddart L. A., Smith A.D., and Box, T.W. 1975. *Range Management*, 3 rd Edition, Mc Graw-Hill, New York, and USA.
15. Ugulu, I., Baslar, S., Yorek, N., and Dogan, Y. 2009. The investigation and quantitative ethonobotanical evaluation of medicinal plants used around Izmir province, Turkey. *Journal of Medicinal Plants Research*, 3(5):345-367.
16. Yarmohammadi, L. 2000. Appropriate language, thought, social behavior and terminology, in: *proceedings of the seminar switching words and terminology issues*. Academy of Persian Language and Literature and University Publishing Centre, 391-407. (In Persian)



Gorgan University of Agricultural  
Sciences and Natural Resources

*J. of Conservation and Utilization of Natural Resources, Vol. 5 (1), 2016*  
<http://ejang.gau.ac.ir>

## **Role of specialized pastoral vocabulary in the conservation and sustainable utilization of rangeland**

**A. Hosseinzadeh<sup>1</sup>, Gh. Heidari<sup>2</sup>, H. Barani<sup>3</sup> and E. Zandi Esfahan<sup>4</sup>**

<sup>1</sup>M.Sc. graduate in Range Management and Instructor of Payam-e-Noor University, Iran, <sup>2</sup>Assistant Professor, Department of Range and Watershed Management, Sari University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Sari, Iran, <sup>3</sup>Associate professor, Department of Range and Watershed Management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Iran. <sup>4</sup>Rangeland Research Division, Research Institute of Forests and Rangelands (RIFR), Agricultural Research, Education and Extension Organization (AREEO), Tehran, Iran

Received: 07/21/2015; Accepted: 11/18/2016

### **Abstract**

**Background and objectives:** Different cultures are reflected as collections of words in the language. The connotations of these words are undoubtedly related to the experience and career awareness of people in every region. Use of specialized terminology in native pastures accounts for a precious heritage, the role of which is of great importance for extension, maintenance and continuous exploitation of natural areas. In recent years, the approach of society to traditional knowledge of range users and dignity of their career, which not long ago was a pillar of strength and development of rural socio-economic structure, has been faded due to the oblivion of these words. This study aimed to identify, extend and define the specific herding terminology among pastoral nomads of Shabsavan tribe in summer pastures of the Sabalan mountain, Ardabil province.

**Materials and methods:** The terms offered in this article are based on the results of a collaborative research conducted in the study area. Initially, some representatives were selected as informants and then, at the right moment, non-structural dialogue was taken by communicating in a friendly way. Statements including words and sentences were recorded as keywords or detailed information and then conversations were analyzed at the appropriate time. This research started in June 2012 and ended in December of the same year. Overall, a number of 100

---

\*Corresponding author: [hosseinzadeh2012@yahoo.com](mailto:hosseinzadeh2012@yahoo.com)

range beneficiaries in 13 groups (male and female) and 45 people were interviewed individually, in which deep and purposeful interviews were undertaken, and information and vocabulary related to the exploitation of rangelands in the themes such as types of rangelands and vegetation cover, type of livestock grazing on rangelands, herding sites and buildings, naming and of herds, words of herding-related career classes, and terms related to weather and climate information were collected and classified.

**Results:** Concluding results of the respondents' remarks showed that about one hundred applied words, which were common in their conversation concerning pasture and range management, could be identified among the users of Shahsavan nomads for the management, conservation and sustainable use of natural resources.

**Conclusion:** The results also showed that the connotation scope of this terminology is the product of observations accompanied by constant interest of the users during a long time that has been improved in a social regular structure. It not only affects the development of the vocabulary treasures but also influences the expansion of range science.

**Keywords:** Indigenous knowledge, Range users, Glossary, Sabalan rangelands, Shahsavan nomads

